



A Review on the Meaning of “Ruku” in the Verse of Wilayah from Sunni and Shi’ite Perspective

Seyed Mahmood Tayeb Hoseini *

Received: 5/3/2018 | Accepted: 11/17/2018

Abstract

One of the important verses on the subject of Wilayah is Surah Al-Ma'idah: 55 known as the verse of Wilayah that has caused extensive exegetic arguments between Sunni and Shi'ite denominations. This noble verse is controversial due to different perspectives such as asbab al-Nuzul (occasions of revelation), the meaning of Wilayah, the interpretation of “Allazina Amanu”, the reason of plurality in “Allazina Amanu”, and so on. The interpretation of Ruku is one of the basic aspects of this verse which is influential on the comprehension of the other parts of the verse and about which there are serious controversies between Sunni and Shi'ite denominations. The present article critically and comparatively represents the viewpoints of Sunni and Shi'ite commentators on the meaning of ‘Ruku’. This comparative study explores critical views of the Sunnis and Shi'ites, thematic analysis of “Ruku” in the Qur'an in terms of historical review and sequence of Nuzul, as well as its revelatory interpretation -outward Ruku- and its inward interpretation that is humbleness.

Keywords

Ruku in the Qur'an, Verse of Wilayah, Comparative Exegesis, Sequence of Nuzul (Revelation)

* Associate Professor, Department of Qur'anic Research, Research Institute of Hawzah and University, |
tayebh@rihu.ac.ir



بازخوانی معنای «رکوع» در آیه ولایت از منظر فریقین

سید محمود طیب حسینی*

تاریخ ارسال: ۹۷/۰۲/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۶

چکیده

یکی از آیه‌های مهم در موضوع امامت که میان دو فرقه اهل تسنن و شیعه بحث‌ها و اختلاف‌های گسترده‌ای در تفسیر آن در گرفته، آیه ۵۵ سوره مائده مشهور به آیه ولایت است. این آیه شریفه از زوایا و بخش‌های مختلف همچون شأن نزول، معنا و مقصود ولایت، مقصود از «الذین آمنوا»، علت جمع آمدن «الذین آمنوا» و... قابل بحث است. یکی از بخش‌های اساسی این آیه شریفه که نقش مهمی در فهم سایر بخش‌های آن دارد و اختلافات جدی‌ای میان فرق اسلامی درباره آن وجود دارد، بیان معنا و مقصود «رکوع» در آن است. در مقاله حاضر، به روش تطبیقی دیدگاه مفسران فریقین درباره معنای «رکوع» نقل و نقد شده است. نقد دیدگاه مفسران شیعه و اهل تسنن، بررسی موضوعی واژه رکوع در قرآن براساس سیر تاریخی و ترتیب نزول آیات، و پیرو آن ادعای اینکه «رکوع» در این آیه یک معنای تنزیلی دارد که همان رکوع ظاهری است و یک معنای باطنی دارد و آن خضوع است، در این مطالعه تطبیقی بررسی می‌شود.

کلیدواژگان

رکوع در قرآن، آیه ولایت، علی، تفسیر تطبیقی، ترتیب نزول.

مقدمه

یکی از آیات مهم قرآن که مفسران شیعه و اهل تسنن در تفسیر آن اختلاف جدی دارند، آیه ۵۵ سوره مائده، موسوم به آیه ولایت است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ». اهمیت این آیه شریفه، سبب طرح مباحث بسیار گسترده و مختلفی درباره آن شده و تاکنون مفسران و محققان بسیاری از زوایای مختلف به بحث درباره این آیه شریفه پرداخته‌اند. شأن نزول این آیه، معنا و مقصود ولایت، مقصود از «الذین آمنوا»، علت جمع آمدن «الذین آمنوا»، معطوف علیه جمله «و هم راکعون» و... از جمله بخش‌های مورد توجه مفسران در تفسیر این آیه شریفه است. یکی از بخش‌های اساسی آیه شریفه که نقش مهمی در فهم سایر بخش‌های آن آیه دارد، و مفسران دو فرقه شیعه و اهل تسنن دو معنای متفاوتی از آن ارائه داده‌اند، بیان معنا و مقصود از «رکوع» است. در مقاله حاضر به بررسی معنای «رکوع» به صورت تطبیقی در تفاسیر مختلف شیعه و اهل تسنن می‌پردازیم تا تلاشی باشد در جهت کشف و فهم دقیق‌تر معنای آیه شریفه ولایت.

۲. پیشینه

درباره اصل تفسیر تطبیقی، در طول تاریخ تفسیر، کم‌وبیش مقایسه‌هایی میان آرای تفسیری گذشتگان و نقد و بررسی‌هایی درباره آنها انجام گرفته است. این مقایسه‌ها در تفاسیر با گرایش کلامی و فقهی برجسته‌تر بوده است؛ اما در هیچ‌یک از آن آثار، مقایسه در چارچوب اصول و قواعدی روشن و شیوه‌ای منظم و از پیش تعریف شده انجام نگرفته است. تفسیر طبری از کهن‌ترین این آثار است. در دوره معاصر و به‌طور خاص در ایران اسلامی از حدود یک دهه پیش، پس از گسترش مطالعه‌های تطبیقی در حوزه ادبیات و سایر رشته‌ها و شاخه‌های علمی، در حوزه تفسیر قرآن نیز مطالعه‌های تطبیقی جدی‌ای با روش‌ها و رویکردهای جدید گسترش یافت. در خصوص آیه ولایت نیز مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی از زوایای مختلف به بررسی تطبیقی تفاسیر درباره آن پرداخته‌اند. اما در خصوص تحقیق در معنای «رکوع» در این آیه شریفه، گرچه ضمن سایر مباحث این آیه، درباره آن نیز بحث شده؛ اما تاکنون بحث مستقل و جامعی در این باره، آن‌هم به شیوه تطبیقی انجام نگرفته است.

به علاوه، نتیجه به دست آمده از تحقیق حاضر نسبت به معنای «رکوع»، با نتیجه مقالات و پایان نامه‌هایی که درباره آیه ولایت بحث کرده‌اند متفاوت است. در ادامه، ابتدا دیدگاه‌های مفسران اهل تسنن و شیعه درباره معنای «رکوع» در آیه مورد بحث را نقل و سپس، با استناد به فرهنگ عربی و قرآن مجید، درباره دیدگاه‌های هر دو گروه داوری می‌کنیم.

۳. دیدگاه مفسران اهل تسنن درباره معنای رکوع در آیه ولایت

دیدگاه مفسران اهل تسنن را در دو بخش بررسی می‌کنیم:

۱-۳. دیدگاه مفسران متقدم

منظور از مفسران متقدم در این مقاله، مفسران صحابه، تابعین و اتباع آنها تا پایان قرن سوم است. گرچه در میان این مفسران بعضی چون ابن عباس و سعید بن جبیر و... شیعه هستند و درباره بعضی دیگر نیز نمی‌توان الزاماً به سنی بودن آنها حکم کرد؛ اما از آنجاکه روایات آنها اغلب مقبول اهل تسنن است، آرای آنها را با تسامح ذیل مفسران اهل تسنن گزارش می‌کنیم. در منابع کهن تفسیری اهل تسنن تا اوایل قرن چهارم، بحث جدی‌ای درباره معنای «راکعون» و رکوع در این آیه شریفه انجام نگرفته است. در این تفاسیر، معمولاً روایاتی درباره خاتم‌بخشی امام علی به مسکین در حال رکوع نماز نقل شده است. از این دسته روایات چنین برمی‌آید که تلقی مفسران از واژه «رکوع» در این آیه شریفه، همان معنای رایج آن در شریعت اسلام، یعنی رکوع در نماز است؛ مثلاً تفسیر طبری پنج روایت در تفسیر این آیه نقل کرده که در یک روایت، نزول آیه را در شأن عبادۀ بن صامت و در چهار روایت دیگر نزول آیه را در شأن علی بن ابی طالب دانسته است. در روایت مربوط به عبادۀ بن صامت آمده که: بعد از غزوه بنی قینقاع، عبادۀ بن صامت - که یکی از افراد قبیله بنی عوف بن خزرج بود - نزد رسول خدا آمد و در محضر آن حضرت از هم‌پیمانی! یهودیان بنی قینقاع برائت جست و ولایت خدا، رسول و مؤمنانی که نماز اقامه می‌کنند و در حال رکوع زکات می‌پردازند را پذیرفت (طبری، ج ۶، ص ۱۸۶). در روایت دیگر آمده است، غالب بن عبیدالله گوید: از مجاهد شنیدم که می‌گوید، آیه شریفه «إِنَّمَا وَلَّيْتُمُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» (تا پایان آیه) درباره علی بن ابی طالب که در حال رکوع صدقه داد، نازل شد (همان). روشن است که روایت نخست به خودی خود

نقش تعیین کننده‌ای در معنای رکوع ندارد، اما روایت دوم آشکارا دلالت دارد که مقصود از رکوع، رکوع در نماز است. سایر روایات حاکی از نزول آیه شریفه درباره امام علی نیز بر همین معنا از رکوع دلالت دارد (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۹۴). ابو عبیده (د ۲۱۰ق) در *مجاز القرآن* در این آیه، معنایی برای رکوع بیان نمی‌کند. به نظر می‌رسد، این رفتار به معنای آن است که ابو عبیده معنای دیگری به جز معنای شرعی آن (رکوع نماز) در نظر نداشته است. فراء نحوی (د ۲۰۷ق) نیز برای «راکعون» در این آیه شریفه معنایی بیان نکرده است (فراء، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۳) که همچون ابو عبیده، این رفتار وی نیز از پذیرش معنای رایج و مشهور «رکوع» حکایت دارد. ظاهراً نخستین بار، ابو مسلم بحر اصفهانی (د ۳۲۲ق) از مفسران معتزلی، «رکوع» در آیه ولایت را به معنای خضوع تفسیر کرد (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۳۸۲) و تفسیر وی بر بسیاری از مفسران اهل تسنن، پس از وی تأثیر گذاشت.

۲-۳. دیدگاه مفسران متأخر اهل سنت

از میان مفسران متأخر و معاصر اهل تسنن دیدگاه مفسران ذیل قابل توجه است:

۱. **زمخشری** (د ۵۳۸ق) می‌نویسد: «او در جمله «و هم راکعون» حالیه است؛ یعنی آنان در حال رکوع زکات می‌دهند. مقصود از رکوع نیز خشوع و فروتنی و تواضع برای خدا در دو حالت نماز خواندن و زکات دادن است. بعضی نیز گفته‌اند: جمله «و هم راکعون» فقط حال از «یؤتون الزکاة» است؛ یعنی زکات را در حال رکوع نماز می‌بخشند. اینان گفته‌اند: آیه شریفه درباره علی نازل شده است؛ هنگامی که فقیری در حال نماز از ایشان درخواست کرد و ایشان انگشترش را در همان حال نماز به وی بخشید.

سپس، زمخشری می‌نویسد: اگر بگویی چگونه ممکن است که این آیه درباره علی (یک فرد) نازل شده باشد، در حالی که الفاظ موجود در آیه جمع است؛ پاسخ می‌دهم که خدای تعالی الفاظ آیه را جمع آورد تا سایر مردم را نیز به عمل علی ترغیب کند و آنان نیز به پاداشی همانند علی نایل آیند. همچنین، با آوردن لفظ جمع بیان می‌کند که سجیه و سرشت مؤمن همواره باید چنین باشد که حریص بر کار نیک و احسان و جویای حال فقرا

باشد، تا جایی که اگر ضرورتی برای این احسان حتی در نماز پیش آید، در همان حال نماز به آن مبادرت کرده و به بعد از نماز تأخیر نیندازد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۴۹).

۲. **ابن عطیه** (د ۵۴۱ ق) می‌نویسد: «وَهُمْ رَاكِعُونَ» جمله معطوف به جمله است و «رکوع» مجازاً به معنای نماز خواندن است. سرّ تعبیر به رکوع بدان جهت است که رکوع از ارکان مهم نماز است. به علاوه، نشان‌دهنده هیئت تواضع مؤمن است. مقصود از این جمله، آن است که مؤمنان را به زیاد نماز خواندن وصف کند. ابن عطیه می‌افزاید: این نظر جمهور مفسران است؛ اما اتفاق نظر وجود دارد که علی بن ابی طالب در حال رکوع نماز صدقه‌ای به فقیر بخشیده است. همچنین، ابن عطیه از سُدّی نقل می‌کند که این آیه درباره همه مؤمنان است؛ اما این علی بن ابی طالب بود که وقتی گدایی به آن حضرت در حالی که ایشان در مسجد در حال رکوع بود، نزدیک شد، انگشترش را در همان حال رکوع به آن فقیر بخشید... (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۰۹).

ابن عطیه در ادامه از قاضی ابومحمد چنین نقل می‌کند: مجاهد گفته که این آیه درباره، علی بن ابی طالب نازل شده که در حال رکوع صدقه داده است؛ اما این سخن مجاهد محل تأمل است. دیدگاه صحیح همان سخن جمهور مفسران است. بنابر این تفسیر، او در جمله یاد شده واو حالیه است. ابن کلبی نیز گفته است که آیه شریفه درباره گروهی از اهل کتاب نازل شد که اسلام آوردند، نزد پیامبر آمدند و گفتند: ای رسول خدا خانه‌های ما از مدینه دور است و ما جز مسجد شما جایی نداریم، طایفه ما نیز سوگند یاد کرده‌اند که هیچ‌گونه رابطه دوستی با ما برقرار نکنند. پس، این آیه به منظور دلداری آنها نازل شد (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۰۹).

۳. **فخر رازی** (د ۶۰۶) سه دیدگاه درباره معنای «رکوع» در آیه شریفه نقل کرده است: ۱. ابومسلم اصفهانی (د ۳۲۲ ق) گوید: مقصود از «رکوع» در این آیه شریفه «خضوع» است. بنابراین، معنای آیه شریفه این است که آنان (مؤمنان مورد اشاره آیه) در حالی که مطیع و خاضع در برابر همه اوامر و نواهی الهی هستند، نماز می‌خوانند و زکات می‌پردازند. ۲. مقصود از این جمله آن است که این مؤمنان علاوه بر اینکه نماز می‌خوانند (یقیمون الصلاة)، شأنشان این است که اهل اقامه نمازند. و اگر برای این معنا از واژه رکوع استفاده کرده، به دلیل اهمیت و شرافتی است که «رکوع» نماز از آن برخوردار است؛ مانند جمله «وَارْكَعُوا مَعَ

الرَّائِجِينَ» (بقره: ۴۳). ۳. بعضی گفته‌اند: این آیه شریفه اشاره به صفات اصحاب پیامبر در حال نزول آیه دارد، بعضی در حال اقامه نماز و بعضی در حال پرداخت زکات و بعضی هم در حال رکوع نماز بودند که آیه نازل شد. بنابراین آیه شریفه در صدد بیان وجود این سه صفت در یک نفر نیست... (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۳۸۲).

۴. **ابن کثیر** (د ۷۷۴ ق)، شاگرد ابن تیمیه، با ترجیح دیدگاه ابومسلم اصفهانی برخلاف پیشینیان خود که دیدگاه‌هایی مختلف را در تفسیر رکوع نقل کرده‌اند، در نقد تفسیر «رکوع» به رکوع نماز نیز تلاش کرده است. وی می‌نویسد: بعضی پنداشته‌اند که جمله «وَهُمْ رَاكِعُونَ» حال است برای جمله «وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»؛ یعنی آن مؤمنان در حال رکوع زکات می‌دهند، در حالی که اگر چنین بود به مقتضای این آیه باید پرداختن زکات در حال نماز افضل از سایر حالات باشد، اما این افضلیت ثابت نشده و هیچ‌یک از علمای اهل فتوا (رؤسای مذاهب فقهی اهل سنت) به آن فتوا نداده است...

سپس، ابن کثیر به روایات منقول در سبب نزول این آیه درباره علی اشاره کرده و روایات فراوانی را نقل و در سند بعضی از آنها مناقشه کرده است، ولی همه این روایات را - با اینکه در سند بعضی نقد نمی‌کند - نادیده می‌گیرد و نزول این آیه را درباره عباد بن صامت ترجیح می‌دهد (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۲۷).

۵. **ابو حیان** (د ۷۴۵ ق) نیز در تفسیر «رکوع»، دیدگاه ابومسلم؛ یعنی معنای خضوع را ترجیح داده و در نقد تفسیر رکوع به نماز (دیدگاه ابن عطیه) می‌گوید: بعضی آن را به معنای همان رکوع نماز گرفته و گفته‌اند: «رکوع» مجازاً به معنای نماز است، و ذکر رکوع از باب اهمیت این رکن در نماز است. اما مطابق این معنا، در آیه شریفه تکرار لازم می‌آید، زیرا در این صورت «وهم راکعون» بیان معنای «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» می‌باشد. البته می‌توان این تکرار را چنین توجیه کرد که به دلیل شرافت و اهمیت نماز در تکالیف روزمره، خداوند آن را تکرار کرده است. بعضی هم گفته‌اند: مقصود از «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» نماز واجب، و «وهم راکعون» نماز نافله است. در ادامه، ابو حیان با نقل روایت خاتم‌بخشی علی در رکوع نماز می‌نویسد: ظاهر جمله «وهم راکعون» این است که جمله اسمیه معطوف به دو جمله سابق بوده، و صفت

سومی را برای مؤمنان بیان می‌کند، اما بعضی معتقدند که او در جمله «خیر» (حالیه) بوده و فقط حال ابتدای زکات را بیان می‌کند. بنابراین مقصود آیه شریفه این است که آنان نماز اقامه می‌کنند و با نهایت خضوع زکات می‌پردازند؛ به طوری که در هنگام پرداخت زکات به هیچ روی متوجه کسی که به او زکات می‌پردازند نشده و تمام توجه آنان به نماز معطوف است (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۰۱).

۶. **ابن عاشور** (معاصر) نیز دیدگاهی نزدیک به ابوحیان را ترجیح داده و جمله «وَهُمْ رَاكِعُونَ» را معطوف بر صفت «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...» می‌داند و مقصود از آن را ادای نماز نافله، و یا مداومت بر نماز دانسته است. همچنین، وی تحت تأثیر نظر ابن کثیر به نقد دیدگاهی که رکوع را به معنای رکوع در نماز و آیه را در شأن امام علی دانسته، پرداخته است (ابن عاشور، بی تا، ج ۵، ص ۱۳۹).

۷. **آلوسی** دیگر مفسر اشعری مذهب اهل تسنن برخلاف دیدگاه بیشتر مفسرانی که معنای خضوع را ترجیح داده‌اند می‌نویسد: بعضی گفته‌اند که جمله «وَهُمْ رَاكِعُونَ» حالیه است و اختصاصاً حال ابتدای زکات را بیان می‌کند و مقصود از رکوع هم رکوع نماز است. در این صورت، مقصود از پرداخت زکات در حال رکوع نماز نهایت علاقه و میل این مؤمنان به احسان و تسریع در انجام آن است که در همان حال نماز و بدون فوت وقت این عمل نیکوکارانه را انجام می‌دهند و حتی تا پایان یافتن نماز هم آن را به تأخیر نمی‌اندازند. وی می‌افزاید: اغلب راویان معتقدند که این آیه درباره علی نازل شده است... (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۳۴).

۸. **مراغی** مفسر معاصر دیدگاهی همسو با پیشینیان خود در معنای «رکوع» ارائه داده است. وی با نقل از زمخشری در اساس البلاغه آورده است: عرب هر فردی را که به خدا ایمان آورد و بت نپرستد «راکع» نامد. بنابراین، معنی آیه شریفه این است: مؤمنانی که به حق ولایت قیام می‌کنند، کسانی هستند که نماز به پا می‌دارند و آداب ظاهر و باطن آن و حق نماز را به طور کامل ادا می‌کنند و زکات را با نهایت خضوع در برابر اوامر الهی، همراه با طیب نفس و آرامش تمام و بدون هیچ گونه نگرانی به مستحقانش می‌پردازند؛ بدون آنکه قصد ریا یا سُمعه داشته باشند (مراغی، بی تا، ج ۶، ص ۱۴۴).

۳-۳. جمع‌بندی دیدگاه‌های مفسران اهل تسنن

از مجموع دیدگاه‌های فوق برای رکوع، معانی زیر به دست آمد:

- رکوع به معنای رکوع در نماز یا رکوع حسی (علاوه بر مفسران گذشته، زمخشری، ابن عطیه و آلوسی نیز، این نظر را نقل کرده و رد نکرده‌اند)؛
- به معنای نماز (ابن عطیه)؛
- به معنای خضوع (ابومسلم، زمخشری، فخر رازی، ابن کثیر، ابوحیان، ابن عاشور)؛
- به معنای نماز مستحبی (ابوحیان، ابن عاشور)؛
- به معنای ایمان و خضوع در برابر خداوند (مراغی).

نکته قابل توجه اینکه، اگر از منظر تاریخی به معنای رکوع نگاه شود، به دست می‌آید که قدمای مفسران تحت تأثیر روایات سبب نزول، تقریباً تردیدی نداشته‌اند که رکوع در آیه ولایت به معنای همان رکوع معروف در نماز است. به نظر می‌رسد، برای نخستین بار ابومسلم اصفهانی (د ۳۳۰ق) - مفسر به شدت عقل‌گرای معتزلی - معنای خشوع را برای رکوع بیان کرد. پس از وی، این معنا برای رکوع از سوی سایر مفسران مورد اقبال و پذیرش قرار گرفت و تا دوره معاصر کفه معنای رکوع از آن معنای مشهور و حسی رکوع، دورتر و به سمت معنای مجازی آن؛ یعنی خشوع در نماز سنگین‌تر شده است.

۴. دیدگاه مفسران شیعه

مفسران شیعه تحت تأثیر روایاتی که درباره سبب نزول این آیه شریفه نقل شده، درباره معنای «رکوع» در آیه ولایت نظر یکسانی دارند. این گروه از مفسران به اتفاق نظر، جمله «وهم را کعون» را بیان حال از «یؤتون الزکاة» دانسته و رکوع را نیز به رکوع در نماز تفسیر کرده‌اند. برای نمونه، در روایتی که کلینی در اصول کافی با سند صحیح از امام صادق در تفسیر این آیه نقل کرده، آمده است که امام فرمودند: «ولیکم» در آیه، به معنای «شایسته‌تر به شما» است؛ یعنی خدا و رسول و مؤمنان مورد اشاره آیه تا روز قیامت در مورد امور زندگی و اموالشان از خود شما شایسته‌ترند. سپس، آیه شریفه مؤمنان را چنین وصف کرده است: کسانی که نماز اقامه می‌کنند و در حال رکوع زکات می‌پردازند، و امیر مؤمنان در نماز ظهر، در حالی که دو رکعت نماز را به جا آورده و در رکوع بود و بر آن حضرت حُله‌ای به قیمت هزار دینار بود -

که رسول خدا آن حله را که نجاشی به حضرتش هدیه داده بود، به ایشان بخشیده بود - در این حال، سائلی به حضرت نزدیک شده با سلام از علی صدقه‌ای درخواست کرد. حضرت حله را از دوش خود برداشت، به زمین نهاد و به سائل اشاره کرد که آن را بردارد. پس، آیه شریفه در این باره نازل شد. سپس، هریک از فرزندان علی که به مقام امامت برسد، به نعمتی همانند این نائل آید و در حال رکوع صدقه دهد (صیر نعمه اولاده بنعمته). در ادامه روایت آمده است: آن سائلی که از امیر مؤمنان درخواست کرد، از فرشتگان الهی بود و کسانی هم که بعد از آن حضرت از سایر امامان در حال رکوع درخواست صدقه کنند، از فرشتگان خواهند بود (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۲؛ ر. ک: عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۱۶؛ حویزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۲۳). روایات در این باره متعدد است و با وجود اختلافی که درباره نوع صدقه پرداخت شده از امیر مؤمنان به فرد سائل دارند، اما همه آنها در اینکه امام علی در حال رکوع نماز صدقه‌ای را به سائل بخشیده است، اتفاق نظر دارند.

شیخ طوسی در تفسیر این بخش از آیه می‌نویسد: روشن است که، مقصود آیه شریفه این است که: آن مؤمنی که آیه شریفه وصفش را بیان می‌کند، در حال رکوع زکات داده است، و همه امت اسلام اتفاق نظر دارند که جز امیر مؤمنان علی کسی در حال رکوع زکات به فقیر نداده است. ایشان می‌افزاید: اینکه کسی جمله «وهم راکعون» را حال از «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» نداند؛ بلکه صفت برای «الَّذِينَ... يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» بداند، بر خلاف علمای نحو (اهل العربیه) سخن گفته است، زیرا اگر فردی به دیگری بگوید: «لَقِيتُ فُلَانًا وَهُوَ رَاكِبٌ»، از آن فهمیده می‌شود که آن شخص را در حالت سواره ملاقات کرده است، نه اینکه او را با این صفت که شائش سوار شدن است، ملاقات کرده است. یا اگر بگوید: «رَأَيْتَهُ وَهُوَ جَالِسٌ» یا «جَائِسٌ وَهُوَ مَاشٍ» از آن فهمیده می‌شود که آن شخص را در حالت نشسته دیده و با حال راه رفتن نزد او آمده است. بنابراین، جز این نیست که جمله «وَهُمْ رَاكِعُونَ» حال برای «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» است. اگر کسی بگوید: چرا انکار می‌کنید که رکوع در آیه شریفه به معنای خضوع باشد، گویا خدای تعالی چنین فرموده است: با حال خضوع و تواضع زکات می‌پردازند، چنان‌که در شعر زیر رکوع به معنای خضوع است:

وَلَا تُهِنِ الْفَقِيرَ عَلَّكَ أَنْ تَرَكَعَ يَوْمًا وَالِدَهُرُ قَدْ رَفَعَهُ^۱

پاسخ آن است که معنای اصلی رکوع، خم شدن است و به کار بردن آن در معنای خضوع مجاز است. دلیل این سخن، نص اهل لغت همچون خلیل است که گوید: هر چیزی که به رو درافتد و سرش پایین بیاید، چه زانوانش به زمین برسد یا نرسد به او راکع گویند. لید شاعر گفته است:

أَخْبَرُ أَخْبَارَ الْقُرُونِ الَّتِي مَضَتْ أَدَبُ كَأَنِّي كَلَّمْتُ رَاكِعًا^۲

ابن درید نیز گوید: «راکع» کسی است که به رو درافتد، و رکوع در نماز، از همین ریشه و معناست. بنابراین، وقتی معنای حقیقی رکوع، معنای حسی آن (خم شدن) است و امکان حمل این معنا بر آیه هم وجود دارد، حمل آن بر معنای مجازی‌اش روا نیست (شیخ طوسی، بی تا، ج ۳، ۵۶۱). طبرسی نیز با استناد به سخن خلیل در العین و سخن ابن درید، «رکوع» را به معنای سر پایین آوردن دانسته و یادآور می‌شود که گاه شخص خاضع را از روی تشبیه و مجاز به «راکع» وصف کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۲۳). سپس، وی در بخش تفسیر، با استدلال عقلی از انحصار ولایت مؤمنان مورد اشاره آیه شریفه در علی بن ابی طالب، و به تبع آن از تفسیر «رکوع» به خم شدن دفاع کرده و تفسیر «راکعون» به نماز را موجب تکرار دانسته است (همان، ص ۳۲۷). سایر مفسران شیعه نیز با مسلم دانستن معنای حقیقی و معروف «رکوع»، جز آنچه از شیخ طوسی و طبرسی نقل شد، سخنی نگفته‌اند (برای نمونه ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۶؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۵۲؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۰۲). فضل الله برای تأیید این معنا از رکوع می‌نویسد: از طریق اهل سنت، ۲۴ روایت با طرق مختلف نقل شده که مضمون آن با روایات شیعی مبنی بر نزول آیه شریفه در شأن علی بن ابی طالب و به تبع آن تفسیر «رکوع» به رکوع مشهور در نماز همسو می‌باشد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۲۲۸).

۱. و هرگز هیچ فقیری را خوار مشمار، زیرا که شاید روزی تو حقیر شوی و روزگار او را بالا برده باشد.
 ۲. من از اخبار امت‌های گذشته خبر می‌دهم، با چهار دست و پا حرکت می‌کنم، گویا که هر زمان می‌ایستم، دوباره به زانو می‌افتم.

از میان مفسران شیعه، سخن مصطفوی - صاحب تفسیر روشن - قابل توجه است. وی بر خلاف همه مفسران شیعه، «رکوع» را در آیه شریفه به معنای خضوع دانسته و می نویسد:

«وَهُمْ رَاكِعُونَ»: رکوع به معنی خضوع کامل است، و این جمله حالیه است؛ یعنی این دو عمل (نماز و زکات) با حالت خضوع تمام انجام و با کمال میل، توجه و علاقه صورت می گیرد. و این سه صفت که به طور حقیقت محقق می شود، ظهور خارجی همان ایمان حقیقی خواهد بود که گفته شد.

و چنین مؤمنی می تواند در محدوده خود، مقام ولایت را نسبت به افراد نیازمند و در مورد احتیاج به اداره امور داشته باشد. پس، درباره مؤمنان نیز لازم است دو جهت مورد توجه شود: اول، جهت جانیشینی آنان از رسولان خدا که وارث آنها باشند. دوم، جهت دارا بودن صفات سه گانه که ذکر شد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۱۲۸).

نتیجه آنکه، مفسران شیعی به جز مصطفوی، درباره اینکه رکوع در آیه شریفه ولایت، به معنای معروف آن؛ یعنی همان رکوع در نماز است، اتفاق نظر دارند. نظر مصطفوی نیز که برخلاف دیدگاه مشهور میان شیعه است، معتقد به معنای خضوع مطلق است.

۵. مقایسه میان دیدگاهها

مقایسه دیدگاههای مفسران شیعه، نتایج ذیل را به دست می دهد:

هر دو گروه در این مطلب اشتراک نظر دارند که کلمه رکوع در فرهنگ عربی در دو معنای «سرپایین آوردن و خم شدن» و «خضوع» به کار رفته است. به نظر می رسد، در این باره که معنای نخست، معنای حقیقی، و معنای دوم معنای مجازی این کلمه است نیز اختلاف نظری وجود ندارد؛ گرچه در این باره بحثی نکرده و اظهار نظر آشکاری نداشته اند. اما اگر مبنای تقدم معنای حسی کلمات بر معنای غیرحسی و معنوی آنها را بپذیریم، در این صورت می توان با اطمینان بر اشتراک یاد شده تأکید کرد.

همچنین، درباره اینکه کلمه «راکعون» در آیه مورد بحث قابل حمل بر معنای رکوع ظاهری و سرپایین آوردن است نیز میان بیشتر مفسران شیعه، مفسران متقدم و بسیاری از مفسران متأخر اهل سنت اتفاق نظر است. در میان اهل سنت، گرچه بسیاری از مفسران متأخر

آنها بر دلالت «راکعون» بر معنای خضوع تأکید کرده و یا آن را مشهورتر دانسته‌اند، اما دلالت این واژه بر معنای ظاهری‌اش را نیز انکار نکرده، بلکه آن را نقل کرده و محتمل دانسته‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که از نظر بیشتر مفسران اهل تسنن و شیعه؛ دلالت واژه «راکعون» در آیه ولایت بر معنای رکوع ظاهری مقبول بوده و نمی‌توان با قاطعیت آن را رد کرد.

علاوه بر این، در میان هر دو فرقه مفسرانی وجود دارند که معتقدند «راکعون» بر معنای مجازی و معنوی‌اش دلالت دارد؛ اعم از خضوع یا نماز و یا ایمان.

به جز موارد فوق، دو گروه مفسر یادشده در موارد ذیل با یکدیگر اختلاف نظر دارند:

۱. اکثر قریب به اتفاق مفسران شیعه معتقدند: معنای مقصود از «راکعون» در آیه شریفه، معنای حقیقی و ظاهری آن است؛ در حالی که بیشتر مفسران به ویژه مفسران متأخر اهل تسنن، معنای مقصود این واژه را «خضوع» دانسته‌اند، و بعضی مانند ابن عطیه این معنا را به جمهور مفسران نسبت داده‌اند.

۲. اختلاف دیگر این است که در میان مفسران اهل تسنن، علی‌رغم اینکه بسیاری معنای ظاهری رکوع را محتمل دانسته‌اند، بعضی مانند ابن کثیر و ابوحیان و ابن عاشور تلاش کرده‌اند که معنای ظاهری را رد کنند. ابن کثیر گویا به دلیل مخالفت با شیعه با یک عبارت کلی، همه روایات سبب نزول را - که نزول آیه را در شأن علی گزارش کرده‌اند - به ضعف متهم کرده است. ابوحیان بدون ارائه قرینه‌ای، «یقیمون الصلاة» را به معنای نماز واجب و «راکعون» را به معنای «نماز نافله» تفسیر کرده است تا تفسیر «راکعون» به نماز مستلزم تکرار در آیه شریفه نشود. ابن عاشور نیز برخلاف مبنای خود در مقدمه تفسیرش دال بر جواز حمل الفاظ قرآن بر بیش از یک معنا، در این آیه شریفه به جای تلاش برای توجیه تفسیر «راکعون» به همه معانی‌اش، با اعتماد به سخن ابن کثیر، معنای ظاهری این واژه را انکار کرده است؛ پیش‌تر نیز اشاره شد که مفسران متقدم معنایی جز معنای ظاهری رکوع برای این واژه نمی‌شناخته‌اند.

۳. مورد افتراق دیگر این است که: از سخن مفسران شیعه به ویژه شیخ طوسی چنین برداشت می‌شود که «راکعون» فقط به معنای رکوع نماز است و بر معنای مجازی آن؛ یعنی

خضوع دلالتی ندارد، در حالی که از نظر بسیاری از مفسران اهل سنت، واژه مذکور قابل حمل بر هر دو معنا می‌باشد.

۶. تحقیق در معنای «رکوع»

به منظور داوری میان دیدگاه اهل فریقین و کشف معنای صحیح و مقصود «رکوع» در آیه ولایت، به چند اصل در معناشناسی واژه‌های قرآن اشاره می‌کنیم:

۱. در تفسیر کلمات قرآن، لازم است به معنای کلمات در عصر نزول توجه شود؛
۲. بعد از بررسی معنای کلمات در فرهنگنامه‌های اصیل، لازم است به خود قرآن مجید به عنوان اصیل‌ترین منبع شرح کلمات قرآن توجه و از آن بهره کامل گرفته شود؛
۳. در شرح کلمات قرآن، لازم است به قرائن سبب و فضای نزول آیات توجه و در تفسیر آیه دخالت داده شود، اما نباید معنای آیه به مورد نزول محدود شود؛ بلکه تعمیم معنای آیه نیز مورد توجه باشد؛

۴. سیاق آیات نیز در تفسیر و معناشناسی کلمات قرآن نباید از نظر دور نگه داشته شود؛
۵. بعد از بررسی معنای واژه در فرهنگ عرب و قرآن مجید و در نظر گرفتن همه قرائن، باید آن معنایی را بر آیه شریفه حمل کرد که مورد تأیید قرائن باشد. در صورتی که هیچ قرینه‌ای در آیه دال بر تعیین یکی از معانی کلمه یافت نشود، به دلیل حکیمانه و الهی بودن نظم کلمات و جمله‌های آن، همه معانی محتمل کلمه در تفسیر آیه، مورد توجه قرار می‌گیرد. در صورتی که حمل چند معنا بر آیه شریفه ممکن بود و قراین موجود نیز حمل هر چند معنا را بر آیه شریفه نفی نمی‌کرد، به گونه‌ای شایسته همه آن معانی، بر آیه شریفه حمل شده و مراد آیه شمرده شود (نک: طیب حسینی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۳ - ۱۸۲).

اینک با توجه به این اصول، به بررسی معنای «راکعون» در آیه شریفه ولایت و داوری میان دیدگاه مفسران می‌پردازیم. بدین منظور ابتدا معنای واژه «راکعون» را در فرهنگ عربی بررسی می‌کنیم.

۱-۶. معنای «رکوع» در فرهنگ عربی

«رکوع» از ماده «رکع» در اصل به معنای «خم شدن» بوده و درباره انسان و غیرانسان هر دو

به کار می‌رفته است: «رکع الشیخ»؛ یعنی قامت پیرمرد به خاطر سن زیاد خمیده شد. ابن فارس گوید: «رکع الرجل» را هنگامی گویند که شخصی خم و دولتا شود. به‌طور کلی، عرب هر چیز خمیده‌ای را «راکع» خواند. رکوع در نماز نیز به همین معنا برمی‌گردد. ابن درید گوید: «رکعه»، گودال در زمین را گویند و این لغت یمانی است (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۳۹۲). خلیل نیز گوید: و هر چیزی که با صورت پایین آید، همین که سر فرود آورد، خواه زانویش به زمین برسد یا نرسد، گویند که رکوع کرده است (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۰۰).

ازهری گوید: اما رکوع، عبارت است از: اینکه نمازگزار بعد از فراغت از قرائت و ایستادن «خم» شود، به‌طوری که در حالت رکوع پشتش هموار شود. او می‌افزاید: هر چیزی که به‌صورت به زمین افتد و زانویش به زمین رسد، و یا سرش را خم کند بدون آنکه زانویش به زمین برسد، او راکع است. در جاهلیت، عرب هر فرد حنیف را که بت نمی‌پرستید، «راکع» می‌نامیدند و می‌گفتند: «رکع الی الله»؛ یعنی او در برابر خدا خم شد و به زمین افتاد (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۳۴؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ذیل ماده «رکع»).

راغب گوید: «رکوع»؛ یعنی خم شدن. گاهی در مورد همان حالت خم شدن مخصوص که در نماز انجام می‌شود به کار می‌رود، و گاه در معنای تواضع و خضوع و فروتنی، و این رکوع و خم شدن یا در عبادت است و یا در غیر عبادت. رکوع در عبادت؛ مانند آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا» (حج: ۷۷)، و آیه «وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره: ۴۳). (راغب، ۱۴۱۲، ذیل ماده «رکع»).

از مجموع این کاربردها به دست می‌آید که کلمه «رکوع» و مشتقاتش در معانی «سربلین آوردن و خم شدن» یا «به‌خاک افتادن»، «خضوع و تواضع و فروتنی»، «ایمان به خدا»، و «حنیفت» به کار می‌رفته است. بنابراین، عرب جاهلی با این معنای رکوع؛ یعنی سرفرود آوردن و خم شدن به‌عنوان عبادت آشنا بوده است. همچنین، می‌توان گفت باتوجه به اینکه بعد از ظهور اسلام و هجرت پیامبر که نماز به‌عنوان یکی از مظاهر عمومی دین مطرح شد و هر مسلمانی وظیفه داشت که دست کم روزی پنج‌بار و در هفده رکعت آن را به‌جا آورد، در عرف مسلمانان و صحابه و نسل‌های پس از آنان واژه رکوع در معنای ظاهری

رکوع در نماز آن چنان شهرت یافت که به مثابه حقیقت در این معنا شده است. نتیجه این تحلیل آن است که، هر جا در عبارتی از صحابه و تابعان و نسل‌های پس از آنان، کلمه رکوع به کار رفته باشد، خواه در تفسیر آیه‌ای یا غیر تفسیر، قرینه‌ای دال بر یکی از معانی رکوع وجود نداشته باشد، باید به همان معنای رایج و مشهور و متبادر به ذهن مردم آن عصر، که همان معنای ظاهری و خم‌شدن باشد، تفسیر شود. به عبارت روشن‌تر، اگر در سخنی از صحابه یا تابعین در شرح یکی از آیات قرآن، واژه «رکوع» آمده باشد و آن شخص قرینه‌ای روشن دال بر یکی از معانی مجازی رکوع به کار نبرد که مقصود خود را روشن کند، در این صورت مقصود وی همین معنای شرعی رکوع؛ یعنی رکوع در نماز است.

۲-۶. معنای رکوع در قرآن

مشتقات «رکع» سیزده بار در قرآن مجید و در ۱۰ آیه آمده است. سه بار به صیغه امر «إِرْكَعُوا»، یک بار «إِرْكَعِي»، یک بار «لَا يِرْكَعُونَ» و بقیه اسم فاعل می‌باشد. از این موارد، سه بار در سوره‌های مکی «مرسلات» و «ص» آمده است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اذْكُرُوا لَا يِرْكَعُونَ» (مرسلات: ۴۸). مفسران، رکوع در این آیه را به معانی زیر تفسیر کرده‌اند:

۱. مجازاً به معنای نماز؛ ۲. به معنای رکوع معروف؛ ۳. به معنای سجده، و آیه در خطاب به کفار و مشرکان در قیامت است؛ یعنی در آن روز آنان به سجده فراخوانده می‌شوند، اما نمی‌توانند؛ ۴. به معنای خشوع و تواضع نسبت به وحی و پیروی از دین پیامبر (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۸۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۵۶). گرچه همه این معانی به یک معنا اشاره دارد و آیه شریفه نیز در سوره‌ای مکی است و حمل هر چهار معنا بر آیه شریفه جایز و پذیرفته است، اما با توجه به سیاق و زمان نزول سوره مرسلات - که مطابق روایات، ترتیب نزول در رتبه سی و سوم قرار دارد - معنای چهارم ترجیح دارد؛ زیرا نماز در سال‌های نخست ظهور اسلام واجب نبود و تقریباً در حدود سال دهم بعثت، و پس از معراج رسول خدا واجب شده است. معنای سوم نیز در صورتی صحیح خواهد بود که مشرکان در دنیا مکلف به رکوع و سجده بوده باشند؛ در صورتی که در آن حد واجب نبوده که بر ترک آن مؤاخذه شوند. بنابراین، سه معنای نخست در زمان نزول سوره، الزامی برای مخاطبان؛ اعم از مسلمانان

و مشرکان نداشته است، تا خدای تعالی مشرکان را در ترک آن این‌گونه با شدت مذمت کند.

در آیه ۲۴ سوره «ص» نیز واژه «رکوع» یا به معنای به خاک افتادن و سجده کردن است، یا به معنای خضوع. سیاق آیه با هر دو معنا سازگار است: «فَاسْتَغْفِرْ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ» و (داود) از پروردگارش آمرزش خواست و سجده کنان به خاک افتاد، یا با خضوع به خاک افتاد و به سوی خدا بازگشت و توبه کرد».

کلمه «خر» به معنای سقوط کردن و به خاک افتادن، قرینه روشنی است دال بر اینکه «راکعاً» به معنای به سجده افتاده یا خضوع کننده است. به هر روی سوره «ص» نیز از سوره‌های مکی قرآن است.

هشت آیه دیگر مدنی است که در شش آیه واژه «رکوع» در کنار «سجده» آمده است. در این آیات، به قرینه همنشینی و تقابل با سجده، مقصود از رکوع همان خم شدن به منظور تواضع و کرنش و عبادت، یا همان رکوع شرعی در نماز است. این هشت مورد به ترتیب نزول چنین است:

۱. «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ»، در این آیه شریفه، مقصود از «رکوع» همان رکوع شرعی در نماز به عنوان یکی از ارکان نماز است، و سر امر به آن - به جای امر به نماز - این است که آیه شریفه در سیاق آیات، خطاب به بنی اسرائیل است و از آنجا که یهودیان در نمازشان رکوع به جا نمی‌آوردند، به آنان دستور داده شده است که با رکوع کنندگان؛ یعنی مسلمانان رکوع کنید (نک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۱۴؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۳۷). با این حال، مفسران احتمال داده‌اند که «رکوع» مجازاً به معنای نماز بوده و آیه شریفه را ترغیب به نماز جماعت دانسته‌اند. بعضی از مفسران نیز آن را به معنای خضوع و انقیاد تفسیر کرده‌اند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۱۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۵۱). مطابق مبنایی که قبلاً بیان شد، حمل هر سه معنا بر آیه شریفه جایز است. با تأکید بر اینکه معنای اصلی آن، همان معنای اصلی و حسی رکوع در لغت است و دو معنای دیگر نیز با توجه به روایات و سخن مفسران، مانعی از حمل آن بر آیه شریفه نمی‌باشد. شاهد دیگر این ترجیح آن است که، این آیه شریفه

مستند این حکم فقهی است که فقها اتفاق نظر دارند که در نماز جماعت، در صورتی که مأموم رکوع امام جماعت را درک کند، یک رکعت از نماز را درک کرده است.

۲. وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْنِنَا لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (بقره:

۱۲۵)؛

۳. يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران: ۴۳)؛

۴. وَطَهَّرْنَا بَيْنِنَا لِلطَّائِفِينَ وَاللَّائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (حج: ۲۶)؛

۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (حج: ۷۷)؛

۶. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا (فتح: ۲۹)؛

۷. التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ

عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (توبه: ۱۱۲).

در این شش آیه، تقابل رکوع با سجده، قرینه روشنی است دال بر اینکه مقصود از رکوع همان رکوع نماز است. هر شش آیه در مدینه نازل شده و در این دوره رکوع در نماز برای مسلمانان امری کاملاً شناخته شده بوده است.

تا اینجا به دست می آید که مفهوم «رکوع» در قرآن در دوران مدینه دچار تحول شده و از معنای ایمان (سوره مرسلات) و سجده (سوره ص) در دوره مکه به معنای حقیقی خم شدن و رکوع کردن در نماز به منظور تعظیم و کرنش و عبادت خدای تعالی و تسلیم در برابر او تحول یافته است.

۷. معنای رکوع در آیه ۵۵ مائده

آخرین آیه مشتمل بر «رکوع» که آخرین آیه نازل شده مشتمل بر این واژه نیز هست، آیه ۵۵ مائده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».

سخن مفسران اهل سنت درباره معنای رکوع در این آیه گذشت که مجموعاً پنج معنا برای آن بیان کرده بودند: رکوع ظاهری، خضوع، نماز، نماز مستحبی، و ایمان. از میان این معانی به دلایل ذیل، معنای رکوع ظاهری - که یکی از ارکان نماز است - نسبت به سایر معانی ترجیح

دارد؛ زیرا نخست، استعمال قرآنی واژه رکوع در آیات و سور مدنی ایجاب می‌کند که به رکوع ظاهری معنا شود. چراکه همه کاربردهای پیشین این واژه در مدینه به معنای رکوع ظاهری نماز است، و چنانچه در مورد آیه مائده دچار تردید شویم، شایسته‌تر آن است که این یک مورد را به همان معنایی تفسیر کنیم که سایر آیات مدنی تفسیر می‌شوند، و آن معنای ظاهری رکوع در نماز است. دوم، تفسیر رکوع به رکوع ظاهری نماز، در درون خود با معنای خضوع و ایمان قابل جمع است، در حالی که تفسیر آن به هر یک از دو معنای خضوع و ایمان نافی معنای رکوع ظاهری خواهد بود؛ زیرا کسی که در رکوع نماز زکات پردازد، دارای خضوع و ایمان هم هست، حال آنکه اگر در حال ایمان یا خضوع زکات دهد، لازم نیست در حال رکوع نماز باشد. سوم، همان‌طور که بیشتر مفسران فریقین به صراحت یا به اشاره گفته‌اند، «رکوع» در این آیه شریفه قابل تفسیر به معنای رکوع ظاهری است، اما تفسیر آن به خضوع منهای رکوع ظاهری مورد انکار گروهی از مفسران به‌ویژه مفسران متقدم (صحابه و تابعان) است؛ چهارم، قرینه دیگر بر ترجیح حمل «رکوع» در این آیه بر معنای حسی و ظاهری آن، روایات فراوانی است که نزول این آیه را در شأن امام امیرمؤمنان دانسته است (نک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ۱۸۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۴۹؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۰۸ - ۲۰۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۹۳؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۴۳ - ۶۴۵). همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، واژه رکوع در روایات صحابه و تابعان باید بر معنای رکوع ظاهری حمل شود، مگر آنکه قرینه روشن و صریحی دال بر سایر معانی رکوع در این روایات وجود داشته باشد.

۸. نقد دیدگاه ابن کثیر

پیش‌تر بیان شد که ابن کثیر با رد روایات سبب نزول، آیه ولایت را هم‌سیاق با آیات قبل دانسته و چون آیات قبل از آن در شأن عباده بن صامت نازل شده است (نک: ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۲۷)، نتیجه گرفته که این آیه نیز در شأن عباده نازل شده نه امیر مؤمنان علی، و «رکوع» نیز به معنای خضوع است.

اما این استدلال تمام نیست، زیرا:

نخست، بر فرض که این آیه همسو با سیاق آیات قبل و در شأن عباده نازل شده باشد،

اما این نزول در شأن عبادۀ مستلزم آن نیست که «رکوع» به معنای خضوع باشد، زیرا در این صورت، معنای آیات این است که عبادۀ مأمور است به جای ولایت یهودیان، ولایت خدا، رسول و مؤمنانی را که در حال رکوع زکات می‌دهند بپذیرد، و این رکوع می‌تواند همچنان رکوع در نماز باشد.

دو، برخی محققان اهل سنت بر آنند که گاه آیه‌ای از قرآن به مناسبت سببی خاص نازل می‌شود. سپس، به امر رسول خدا در کنار آیاتی که سبب نزول دیگری دارند قرار گرفته تا در این صورت علاوه بر اینکه سبب نزول مستقل خود را دارند، با نظم و سیاق آیات قبل و سبب نزول آن نیز تناسب داشته و با مضمون آن سازگار باشند. زرکشی می‌گوید: گاهی آیاتی به دنبال اسباب خاصی نازل می‌شود و هر یک از آنها در کنار آیات دیگری که از نظر مضمون با آن مناسب است قرار می‌گیرد، تا نظم و سیاق آیات و سوره‌های قرآن رعایت شده باشد؛ مانند آیه‌ی ادای امانات (آیه ۵۸ سوره نساء) که درباره رد کلید کعبه توسط رسول خدا به کلیددار آن نازل شده است، ولی در کنار آیاتی که درباره کعب بن اشرف یهودی و همسویی وی با مشرکان مکه بعد از جنگ بدر نازل شده قرار گرفته است (نک: زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۱۹؛ نک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۲۵). این دیدگاه در باب روایات سبب نزول و رعایت پیوستگی نظم آیات درون سوره‌ها، سخن درست و قابل دفاعی است و با این مبنا می‌توان میان روایات سبب نزول و نظم آیات بسیاری از سوره‌های قرآن؛ از جمله آیه ولایت جمع کرد.

سوم، ابن کثیر می‌گوید: در صورت تفسیر «راکعون» به رکوع در نماز، آیه شریفه مستلزم استحباب پرداخت زکات در رکوع نماز می‌باشد، در حالی که هیچ‌یک از فقها به آن فتوا نداده‌اند. در پاسخ باید گفت: با توجه به اینکه بنا بر روایات، آیه شریفه در شأن علی نازل شده، عمل پرداخت زکات در رکوع نه از باب استحباب ذاتی آن است؛ بلکه همان‌گونه که ابن عجبیه در *البحر المدید* و آلوسی توجه کرده‌اند، پرداخت زکات در حالت رکوع به قصد سرعت در انجام عمل صالح و فوت نشدن آن عمل نیک بوده است (ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۲). بنا بر این، باید گفت: هر مؤمن دیگری هم که در چنین شرایطی قرار گیرد، اگر عدم مبادرت به صدقه در حال رکوع موجب فوت انجام این عمل صالح گردد، برای درک ثواب

آن نه تنها مستحب، بلکه لازم است؛ حتی اگر تاکنون فقها به آن فتوا نداده باشند. به علاوه اینکه، از نظر روان‌شناختی، فرد کریم و بخشنده‌ای که جود و بخشش عادت او شده، به محض رویارویی با نیازمند، بی‌درنگ به عمل بخشش و انفاق مبادرت می‌ورزد، به دون آنکه لحظه‌ای زمان را ازدست دهد. در چنین حالی، سخن از استحباب شرعی و نظیر آن معنا ندارد، و همین که آیه شریفه در مقام مدح چنین عملی است، دال بر مشروعیت و مطلوبیت آن است؛ گرچه استحباب آن نیز قابل انکار نیست.

۹. نتیجه‌گیری

از رهگذر مطالعه و مقایسه آرای مفسران شیعه و اهل تسنن در معنای «رکوع» در آیه ولایت نتایج ذیل حاصل شد:

۱. از ظاهر سخن مفسران متقدم، تا پیش از ابومسلم اصفهانی به دست می‌آید که از «راکعون» در آیه ولایت رکوع ظاهری نماز می‌فهمیده‌اند؛
۲. ظاهراً برای نخستین بار، ابومسلم اصفهانی (د ۳۳۰ق) مفسر عقل‌گرای معتزلی «رکوع» در آیه ولایت را به خضوع معنا کرده است. پس از وی، این معنا از سوی سایر مفسران پذیرفته شد و تا دوره معاصر گرایش بیشتری به این معنا حاصل شد، در حالی که جمع هر دو معنا ممکن و مناسب‌تر بود؛
۳. با تأمل در سیاق آیات مشتمل بر «رکوع» به دست می‌آید که این واژه در سوره‌های مکی در معنای لغوی «سرفروود آوردن» و «خضوع در برابر اوامر الهی» به کار رفته است، ولی در سوره‌های مدنی تقریباً در همه موارد با حفظ معنای خضوع به معنای رکوع ظاهری نماز آمده است. بنابراین، در آیه ۵۵ سوره مائده نیز به دلیل فقدان قرینه تعیین‌کننده، باید بر همین معنا حمل شود؛
۴. اثبات معنای رکوع ظاهری توأم با خضوع برای «رکوع» از نظر لغوی و سیاق قرآنی شاهدی بر صحت روایات حاکی از نزول آیه در شأن امام علی است. با این حال، آیه شریفه برخوردار از مدلولی عام بوده و در این مدلول عام، معنای خضوع در آیه دنبال می‌شود و دلیلی ندارد که معنای رکوع در آیه شریفه به رکوع ظاهری محدود و منحصر گردد.

منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی، محمود؛ **روح المعانی**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ **التحریر و التنویر**؛ بی جا: بی نا، بی تا.
- ابن عجبیه، احمد بن محمد؛ **البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید**؛ قاهره: حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ق.
- ابن عطیه، عبدالغالب بن حق؛ **المحرر الوجیز**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ابن فارس، احمد بن زکریا؛ **ترتیب مقایس اللغه**؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو؛ **تفسیر القرآن العظیم**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ **لسان العرب**؛ بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- ابو حیان اندلسی؛ **البحر المحيط فی التفسیر**؛ تحقیق صدقی محمد جمیل؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
- ازهری، محمد بن احمد؛ **تهذیب اللغه**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- استرآبادی، سید شرف الدین علی؛ **تأویل الآیات الظاهره**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- بحرانی، سید هاشم؛ **البرهان فی تفسیر القرآن**؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم؛ **تفسیر جامع**؛ تهران: انتشارات صدر، ۱۳۶۶ش.
- ثقفی، محمد؛ **روان جاوید**؛ تهران: انتشارات برهان، ۱۳۶۸ش.
- جصاص، احمد بن علی؛ **احکام القرآن**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- حسینی همدانی، محمد؛ **انوار درخشان در تفسیر قرآن**؛ تهران: لطفی، ۱۴۰۴ق.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ **تفسیر نور الثقلین**؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- راغب اصفهانی، حسین؛ **مفردات الفاظ القرآن**؛ قم: طبعه النور، ۱۴۲۷ق.
- زحیلی، وهبه؛ **التفسیر المنیر**؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
- زمخشری، محمود بن عمر؛ **اساس البلاغه**؛ بیروت: دارصادر، ۱۹۷۹م.
- _____؛ **کشاف**؛ چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- سیوطی، جلال الدین؛ **الدر المنثور**؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
- _____؛ **الاتقان فی علوم القرآن**؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی؛ **تفسیر شریف لاهیجی**؛ تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ش.
- صادقی تهرانی، محمد؛ **الفرقان فی تفسیر القرآن**؛ قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- صفار، محمد بن حسن؛ **بصائر الدرجات الکبری**؛ تهران: منشورات الاعلمی، ۱۳۶۲ش.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان**؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر؛ **جامع البیان**؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.

- طوسی، محمد بن حسن؛ **التبیین فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طبیب، سید عبدالحسین؛ **اطیب البیان**؛ تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
- طبیب حسینی، سید محمود؛ **درآمدی بر دانش مفردات**؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
- عیاشی، محمد بن مسعود؛ **کتاب التفسیر**؛ تهران: چاپخانه علمی، ۱۳۸۰ ق.
- فخر الدین رازی، محمد بن عمر؛ **مفاتیح الغیب**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فراء، یحیی بن زیاد؛ **معانی القرآن**؛ قاهره: هیئة المصریه العامه للکتاب، ۱۹۸۰ م.
- فرامرز قراملکی، احد؛ **روشن شناسی مطالعات دینی**؛ مشهد: دانشگاه رضوی، ۱۳۷۹ ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ **ترتیب کتاب العین**؛ قم: اسوه، ۱۴۱۴ ق.
- فضل الله، سید محمد حسین؛ **من وحی القرآن**؛ بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
- قاسمی، محمد جمال الدین؛ **محاسن التأویل**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
- قرشی، سید علی اکبر؛ **احسن الحدیث**؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
- قمی، علی بن ابراهیم؛ **تفسیر قمی**؛ قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
- قرطبی، محمد بن احمد؛ **الجامع لاحکام القرآن**؛ قاهره: دارالکتب المصریه، ۱۳۸۴ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الکافی**؛ قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.
- مجلسی، محمد باقر؛ **بحار الانوار**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مراغی، احمد مصطفی؛ **تفسیر المرائی**؛ بیروت، دارالفکر، بی تا.
- مصطفوی، حسن؛ **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**؛ تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر، ۱۴۰۲ ق.
- مغنیه، محمد جواد؛ **الکاشف**؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد؛ **زبدۃ البیان**؛ تهران: کتابفروشی مرتضوی، بی تا.
- مکارم، ناصر و همکاران؛ **تفسیر نمونه**؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

References

- *The Noble Qur'an*.
- Abu Hayyan Andelosi (1420 A.H). *Al-Bahr al-Muhit fi at-Tafsir*, Muhammad Jamil, Beirut: Dar al-Fikr.
- Al-Suyuti, Jalal al-Din Abd ar-Rahman (1405 A.H). *Dur al-Manthur fi Tafsir al-Ma'thur*, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
- Al-Suyuti, Jalal ad-Din Abd ar-Rahman (1421 A.H). *Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Kotob al-Arabi.
- Alusi, Shahab ad-Din Seyed Mahmud (1415 A.H). *Rooh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim va as-Sab' al-Masani*, 1st Ed., Beirut: Dar al-Ketab al-'elmieh.
- Al-Zuhayli, Wahbah (1418 A.H). *Tafsir al-Muneer*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ayyashi, Muhammad ibn Mas'ud (1380 S.H). *Kitab at-Tafsir*, Tehran: 'Ilmiah.

- Azhari, Muhammad ibn Ahmad (1421 A.H). *Tahzib al-Loghah*, Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Bohrani, Seyed Hashim (1416 A.H). *Al-Borhan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran: Bi'that Foundation.
- Borujerdi, Seyed Muhamad Ibrahim (1366 S.H). *Tafsir Jame'*, Tehran: Sadr.
- Fakhr al-Din Razi, Muhammad ibn 'Umar (1420 A.H). *Mafatih al-Ghaib*, Beirut: Dar Ihya' at-Turath al-Arabi.
- Fara', Yahya ibn Ziyad (1980). *Ma'ani al-Qur'an*, Cairo: Al-Hei'ah al-Mesriah al-'Amah lel-Kitab.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1414 A.H). *Tartib Kitab al-Ain*, Qom: Oswah.
- Faramarz Qaramaleki, Ahad (1379 S.H). *Methodology of Theological Studies*, Mashhad: Razavi University.
- Fazl Allah, Seyed Muhammad (1419 A.H). *Min Wahy al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Milak lil-Tiba'ah va an-Nashr.
- Howayzi, Abd Ali ibn Jom'eh (1415 A.H). *Tafsir Noor ath-Thaqalayn*, Qom, Isma'ilian.
- Husseini Hamedani, Muhammad (1404 A.H). *Brilliant Lights in the Exegesis of Qur'an*, Tehran: Lotfi.
- Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir, *At-Tahrir va at-Tanvir*, No Place, Anonymous.
- Ibn Ajiba, Ahmad ibn Muhammad (1419 A.H). *Al-Bahr al-Madid fi Tafsir al-Qur'an al-Majid*, Cairo: Hasan Abbas Zaki.
- Ibn Atia, Abd al-Ghalib ibn Haq (1422 A.H). *Al-Muharrar al-Wajiz*, Beirut: Dar al-Kitab al-'Ilmiah.
- Ibn Fares, Ahmad ibn Zakaria (1387 S.H). *Tartib Maqaiis al-Loghah*, Qom: Hawzah & University Research Institute.
- Ibn Kasir, Isma'il ibn Amroo (1419 A.H). *Tafsir al-Qur'an al-Azim*, 1st Ed., Beirut: Dar al-Kotob al-'Ilmiah.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukram (1414 A.H). *Lisan al-Arab*, Beirut: Dar Sader.
- Istarabadi, Seyed Sharaf al-Din Ali (1409 A.H). *Ta'wil al-Ayat al-Zahera*; Qom: Islamic Publication Office.
- Jassas, Ahmad ibn Ali (1405 A.H). *Ahkam al-Qur'an*, 1st Ed., Beirut: Dar Ehya' al-Turath al-Arabi.
- Koleini, Muhammad ibn Ya'qub (1429 A.H). *Al-Kafi*, Qom: Dar al-Hadith.
- Majlesi, Muhammad Baqer (1403 A.H). *Bahar al-Anwar*, Beirut: Dar Ehya' al-Turath al-Arabi.
- Makarim Shirazi, Naser et. al. (1374 S.H). *Tafsir Nemoone*, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamia.
- Maraghi, Ahmad Mustafa, *Tafsir al-Maraghi*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Mostafawi, Hassan (1402 A.H). *At-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*, Tehran: Book Center for Translation and Publication.
- Mughnia, Muhammad Javad (1424 A.H). *Ak-Kashif*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia.
- Muqadas Ardabili, Ahmad ibn Muhammad, *Zubda al-Bayan*, Tehran: Mortazavi Bookshop.
- Qasemi, Muhammad Jamal al-Din (1418 A.H). *Mahasin al-Ta'wil*, Beirut: Dar al-Kotob al-'Ilmia.
- Qomi, Ali ibn Ibrahim (1367 S.H). *Tafsir-e Qomi*, Qom: Dar al-Kitab.

- Qorshi, Seyed Ali Akbar (1377 S.H). *Ahsan al-Hadith*, Tehran: Be'that Foundation.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1384 S.H). *Al-Jami' al-Ahkam al-Qur'an*, Cairo: Dar al-Kitab al-Mesria.
- Raghīb Isfahani, Hussein (1427 A.H). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*, Qom: Tali'eye Noor.
- Sadeqi Tehrani, Mohammad (1365 S.H). *Al-Forqan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Culture.
- Saffar, Muhammad ibn Hassan (1362 S.H). *Basa'ir Darajat al-Kubra*, Tehran: Manshurat al-'Ilmi.
- Sharif Lahiji, Muhammad ibn Ali (1373 A.H). *Tafsir Sharif Lahiji*, 1st Ed., Tehran Nashr-e Dad.
- Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir (1412 A.H). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1372 S.H). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran: Naser Khosrow.
- Tayeb Hussein, Seyed Mahmud (1395 S.H). *An Introduction to Mufradat*, Qom: Hawzah & University Research Institute.
- Tayeb, Abd al-Hussain (1378 S.H). *Atyab ol-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, 2nd Ed., Tehran: Islam.
- Thaqafi, Muhammad (1368 S.H). *Ravan-e Javid (Immortal Mind)*, Tehran: Borhan.
- Tusi, Muhammad ibn Hasan, *At-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*, 1st Ed., Beirut: Dar Ihya' at-Turath al-Arabi.
- Zamakhshari, Mahmud ibn Umar (1407 A.H). *Kashshaf*, 3rd Ed., Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Zamakhshari, Mahmud ibn Umar (1979). *Asas al-Balagha*, Beirut: Dar Sader.